



تئوری عملیات مردمیاری سپاه در کردستان

گروه پژوهش فصلنامه نگین ایران

<p>در خلال برگزاری سومین دوره اردوی انتقال فرهنگ و تجارب فرماندهان دفاع مقدس که با محوریت مناطق عملیاتی شمال غرب برگزار شد، سردار سرتیپ پاسدار حسین دقیقی در تشریح تئوری عملیات مردمیاری و ابعاد مختلف آن در کردستان از سال ۱۳۵۷ تاکنون، به ویژه اقدامات مقطع دوم نبرد (بهمن ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۶۴) در کردستان، مطالبی را بیان کردند.</p> <p>ایشان طی صحبت‌های خود که ۱۱ شهریور ۱۳۹۵ در دانشگاه امام حسین^(ع)، به موضوعاتی از قبیل تعریف و اهداف مردمیاری و تشریح ابعاد مختلف مردمیاری و بیان آن در قالب یک تئوری نوین برای مبارزه با عوامل ضدانقلاب پرداختند و تجارب تئوری مردمیاری سپاه را در منطقه کردستان و بلوچستان تشریح کردند. این نوشتار اهم گفته‌های ایشان به همراه تدوین مباحث بیان شده در قالب موضوعات مختلف است که به همت نگارنده آورده شده است. در این نوشتار سعی شده است حالت گفتاری متن سخنرانی حفظ شود و در مواردی که نیاز به تقویت مطلب بوده، از منابع موثق به منظور غنای مطالب استفاده شود.</p> <p>واژگان کلیدی: قرارگاه حمزه سیدالشهدا^(ع)، تئوری مردمیاری، مناطق کردنشین، امدادسانی مردمی، پشتیبانی از مستضعفین.</p>	<p>چکیده</p>
--	--------------

مقدمه

دانشگاه‌های مختلف قابل تدریس و بهره‌برداری است و همه افرادی که در آینده یا حال فرمانده یا مسئولی در نقطه‌ای از سرزمین وابسته به انقلاب اسلامی‌اند، چه در داخل یا خارج از ایران، باید دانشی را دریافت کنند که همواره همراه آنها باشد. پس آنچه من عرض می‌کنم، صرفاً بیان خاطرات نیست، بلکه تئوری جدیدی است به نام عملیات مردمیاری.

سردار دقیقی در ابتدای مباحث خود با اشاره به نکاتی در خصوص انواع دیدگاه‌ها به تاریخ، گفت که سخنانش صرفاً خاطره‌گویی، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌پژوهی یا به عبارتی ذکر خاطرات نیست، بلکه همه آنچه در کردستان رخ داده است را می‌توان در قالب یک تئوری جدید و علمی بیان کرد. این تئوری در



سردار سرتیپ پاسدار حسین دقیقی فرمانده سپاه کردستان در دوران دفاع مقدس.

رژیم گذشته جنگ کردستان را نه از نظر نظامی بلکه از نظر سیاسی حل کرده است، طوری که تیمسار اوپسی در یکی از روستاهای سقز به مردم می‌گوید هر کسی اسلحه دارد تحویل بدهد ولی کسی اسلحه خود را تحویل نمی‌دهد.

وی دستور می‌دهد که کدخدا را بیاورید و کدخدا را سوار هلیکوپتر می‌کنند و از آن بالا کدخدا را مقابل چشم مردم، به پایین می‌اندازند، مردم می‌ترسند و چند تا از اسلحه‌های خود را می‌آورند. این نوع رفتار با مردم تحت عنوان مشت آهنین است. ما در کردستان این روشمان نبود. اتفاقاً همیشه در داخل سپاه این بحث جدی ادامه داشته است که روش ما چیست؟ آن موقع قرارگاه حمزه جایی بود که دور هم بنشینیم و درباره روش‌ها بحث و تبادل نظر می‌کردیم.

روش دیگر مردم‌یاری است، مردم‌یاری در ادبیات ارتش‌های دنیا تحت عنوان عملیات ارتش و مردم وجود

حدود ۲۰ شهر کردستان سقوط کرده و دولت محلی در آنجا تشکیل شده است. در چنین شرایطی نیروهای ما اول به‌صورت جنگ چریکی و پارتیزانی می‌رفتند و ضربه می‌زدند و برمی‌گشتند. دولت موقت هم مذاکرات مفصلی را با گروه‌ها انجام می‌داد ولی به نتیجه نرسید و در آخر کار عملیات پاک‌سازی با تدبیر حضرت امام، شروع شد.

تئوری‌های مختلف در مبارزه با چریک

ما در پدافند و توسعه داخلی که مبتنی بر جنگ چریکی باشد، دو تئوری مشت آهنین و تئوری مردم‌یاری را داریم. تئوری مشت آهنین برای مقابله با جنگ چریکی است، و طی آن حداکثر برخورد‌های نظامی بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای با مردم انجام می‌شود.

به‌عنوان مثال رژیم گذشته ایران در کردستان درگیر بود. در خاطرات تیمسار پالیزبان که آن موقع افسر جزء بوده است، درباره یکی از روستاهای سقز آمده است که

مصادق این موضوع هم این است که شهید بروجردی یکی از فرماندهان را وادار کرد که برود و از تک‌تک مردم حلالیت بطلبد و به کسانی که خسارت و آسیب دیده بودند دیه پرداخت کند.

ابعاد مختلف عملیات مردم‌یاری

محورهای عملیات مردم‌یاری طی مقطع نبرد دوم در مناطق کردنشین غرب و شمال‌غرب شامل محورهای فرهنگی، رزمی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، عمرانی، راه‌سازی، امداد و نجات است که در ذیل به‌صورت مختصر توضیح داده می‌شود.

۱. فرهنگی

فرهنگ: عبارت است از علم و دانش، باورها و اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم، هنر و قانون رایج در جامعه که بر رفتار مردم آن جامعه حاکمیت دارد.

مردم‌یاری فرهنگی: مجموعه اقداماتی است که به‌منظور تقویت بینش دینی، تبیین و ترویج آرمان‌های انقلاب اسلامی، تعالی فرهنگ عمومی، اصلاح الگوهای رفتاری، افزایش و بهبود شاخص‌های کمی فرهنگی انجام می‌گیرد. در این خصوص، برخورد شایسته نیروهای نظامی و انتظامی با مردم، تأسیس کتابخانه، برپایی نمایشگاه، برگزاری مسابقات مختلف، ایجاد مراکز فرهنگی، و تقویت فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی از مصادیق بارز این محور است.

۲. آموزشی

آموزش: به هرگونه فعالیت یا تدبیر از قبل طراحی شده گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرنده

دارد، اما آنچه ما به‌عنوان مردم‌یاری در اینجا صحبت می‌کنیم یک مقوله دیگری است. در آنجا عملیات مردم‌یاری جزئی از عملیات نظامی برای متقاعدکردن مردم است، اما در اینجا عملیات مردم‌یاری شامل زنجیره فعالیت‌های اطلاعاتی، فرهنگی، روانی، اجتماعی و نظامی است و عملیات نظامی تنها جزئی از عملیات مردم‌یاری است، نه اینکه رفتار عملیات مردم‌یاری بخشی از عملیات نظامی باشد.

مقابله با اقدامات نامنظم دارای یک ماهیت اجتماعی است تا یک ماهیت نظامی. عملیات مردم‌یاری شامل ابعاد فرهنگی، خدماتی، مهندسی و امداد و نجات، نظامی و اطلاعاتی است، لذا ما نمی‌گوییم انهدام کامل ضدانقلاب چراکه مادر شهر سنندج ۱۲۰۰۰ تسلیمی داشتیم که اگر اینها را می‌خواستیم بکشیم آیا می‌شد در آنجا امنیت را به

ما در پدافند و توسعه داخلی که مبتنی بر جنگ چریکی باشد، دو تئوری مشت آهنین و تئوری مردم‌یاری را داریم. در تئوری مشت آهنین حداکثر برخورد های نظامی بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای با مردم انجام می‌شود.

پا کنیم؟

ما هدفمان تسلیم کردن و انزوای دشمنان بوده است و انزوای ضدانقلاب با حضور مردم و محوریت نظام به‌منظور حصول امنیت پایدار، خط‌مشی سپاه در حل معضلات چریکی کردستان بوده است. به عبارت دیگر، ما نباید اجازه بدهیم ضدانقلاب وارد روستا بشود؛ اگر شد باید توانایی این را داشته باشیم تا آنها را شناسایی کنیم و برای اینکه دشمن را بزنیم، نباید به مردم صدمه وارد کنیم.

تجهیزات مکانیزه، شناساندن طرز استفاده از کودهای شیمیایی، حیوانی، حشره کش ها و دفع آفات نباتی، کمک به راه اندازی صنایع متوسط کوچک، و تعیین و ساخت بازارچه های مرزی.

۵. بهداشت و درمانی

مردم یاری بهداشتی و درمانی شامل فعالیت هایی است که به منظور بهبود وضعیت بهداشتی، افزایش شاخص های

درمانی، جلوگیری از بیماری ها و کاهش میزان مرگ و میر توسط واحدهای بهداشتی و درمانی نیروهای نظامی صورت گرفته است. از جمله این موارد می توان به استفاده از تیم های پزشکی در بهبود وضعیت بهداشتی محیط زیست و آب، درمان بیماران سرپایی، ایجاد درمانگاه های عمومی و تخصصی، واکسیناسیون، اهدای شیر خشک، و حمل

بیماران و مجروحین مردمی با خودرو و بالگرد اشاره کرد.

۶. عمرانی و راه سازی

مردم یاری عمرانی و راه سازی از اقداماتی است که برای ساخت، بهسازی و نگهداری راه ها، اماکن عمومی، مذهبی، بهداشتی و مسکونی مردم به منظور بالابردن سطح توسعه زندگی آنان انجام می شود. احداث چاه و مخزن آب، ساخت حمام، مسجد، جاده،

است به تعریف دیگر، آموزش فعالیت هایی است که به بالابردن سطح آگاهی و دانایی مردم می انجامد.

مردم یاری آموزشی: هر نوع تلاش برای افزایش سطح معرفت، آگاهی و دانش مردم منطقه را که موجب حفظ ارزش ها و اصلاح نگرش ها و افزایش مهارت های فنی و تخصصی آنان می شود، مردم یاری آموزشی می گویند. از مصادیق بارز این محور می توان به طرح های پاسدار معلم، نور، هجرت و دبیرستان سپاه، کانون اصلاح و تربیت زندانیان، دادن بورسیه تحصیلی، کمک به ایجاد و تأسیس کلاس ها و وسایل کمک آموزشی، تربیت آموزگاران، تقلیل بی سوادان، آموزش کارگران محلی در استفاده از تجهیزات فنی، ارتقای سطح آموزش و پرورش و غیره اشاره کرد.

۳. اجتماعی

مردم یاری اجتماعی شامل اقدامات و فعالیت هایی است که در راستای تحقق اهداف اجتماعی نظام مقدس جمهوری اسلامی و به منظور بهبود کیفیت زندگی مردم، کاهش ناپهنجاری اجتماعی، و اصلاح و گسترش روابط بین افراد اجرا می شود. از مصادیق بارز این محور می توان به موارد زیر اشاره کرد: ارائه خدمات مخابرات، برق رسانی، آبرسانی، سوخت رسانی، کمک های نقدی و غیرنقدی، تأسیس فروشگاه، توزیع ارزاق عمومی و غذایی، اسکان خانواده های بی سرپرست و مبارزه با قاچاق.

۴. اقتصادی

مردم یاری اقتصادی مجموعه اقداماتی است که موجب توزیع بهینه درآمد، کاهش فقر، و رشد و توسعه کشاورزی و صنعتی در منطقه می شود؛ از جمله کمک و راهنمایی کشاورزان در توسعه روش های نوین کشاورزی، تأمین

عملیات مردم یاری شامل زنجیره فعالیت های اطلاعاتی، فرهنگی، روانی، اجتماعی و نظامی است و عملیات نظامی تنها جزئی از عملیات مردم یاری است.



امدادرسانی رزمندگان در مناطق کردنشین.

گفت این چه قولی بود که شما دادید؟ هر چقدر هم شهید بدهیم، به آنجا نخواهیم رسید؛ اصلاً جاده نداریم، چطوری به آنجا برویم؟

قرار شد یکی از پیشمرگان ما را از طریق یکی از ارتفاعات به آنجا ببرد؛ جایی که فقط قاطر می توانست عبور کند. با چندتا از دوستان از همان مسیر راه افتادیم. یک گردان هم در مسیری که دشمن فکر می کرد از آنجا خواهیم رفت، فرستادیم. رفتیم و در روستا صحبت کردیم و به آنها گفتیم که امسال در اینجا پایگاه خواهیم زد. پایگاه را هم زدیم و جاده را هم ساختیم. ما به اتفاق تیمسار بهرام پور برای بازدید پایگاه رفتیم. گفتند امروز یک زن در موقع زایمان فوت کرده و یک زن هم در حال مرگ است. گفتیم با هلیکوپتر او را به شهر برسانید. بچه ها گفتند در اینجا چند پاسدار را کشته اند و به جسد آنها هم رحم نکرده اند؛ چرا ما باید آنها را به دکتر بفرستیم؟ (دیدگاه مشت آهنین). ولی ما قبول نکردیم و گفتیم بیمار را به

که شما سؤال کنید تا به سؤال هایتان پاسخ دهیم. همه کاغذهایی که نوشته بودند، فحاشی و اهانت بود؛ من بدون توجه به این فحاشی ها گفتم یک نفر از حاضرین درباره دلیل وابستگی حزب دموکرات به رژیم عراق پرسیده است و نیز موضوعات دیگری را هم مطرح کردم و به آنها جواب دادم.

حزب دموکرات و کومه له به آنها گفته بودند کاری کنید سپاه را از منطقه خارج کنید و جلسه آنها را به هم بزنید. یک خانم در انتهای مجلس بود که بلند شد و به من گفت اگر خیلی مردی و اگر خیلی اهل سخنرانی ای، بیا و در تنگی سر سخنرانی کن. حالا ما مونده بودیم که چگونه جواب بدهیم. به او گفتم جمعه آینده، شب در آنجا سخنرانی می کنم.

ما از جاده های اصلی هم نمی توانستیم شب عبور کنیم، چه برسد به اینکه در تنگی سر سخنرانی کنیم. بعد از جلسه، شهید حاج اکبر آقابابایی (جانشین بنده) به من

شهر برسانید. هلیکوپتر آمد و آن خانم را به شهر رساند. ما برگشتیم و بعد از یک ماه دوباره برای بازدید پایگاه رفتیم. هلیکوپتر نشسته بود که دیدم یک خانم، قنناق یک بچه را گرفته است و دور هلیکوپتر می‌چرخد و می‌گوید «فدایی خمینی».

یک بحث فرهنگی دیگر، نوع برخورد با روحانیت کردستان است. آن موقع فرماندهان سپاه می‌رفتند و در نماز جمعه‌های اهل سنت شرکت می‌کردند و در آنجا سخنرانی می‌کردند. مثلاً من وقتی به سقز می‌رفتم، در نماز جمعه اهل سنت شرکت می‌کردم. قبل از خطبه‌ها یک ساعت هم صحبت می‌کردم. امام جمعه در حدود ۱۰ دقیقه صحبت می‌کرد و بعد مردم از من استقبال می‌کردند. ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

امام جمعه قرار دادیم. ما شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم. امام جمعه کومه‌له هم داشتیم. رفتیم و با او صحبت کردیم، به او گفتیم شما نمی‌دانید کومه‌له مارکسیست است؟ گفت چرا. ما هم آمدیم نوشتیم کومه‌له مارکسیست است و این جمله را از زبان امام جمعه سردشت به صورت پلاکارد نوشتیم. بعد کومه‌له برای ترور امام جمعه یک تیم فرستاد و ما هم یک تیم برای حفاظت

شهر برسانید. هلیکوپتر آمد و آن خانم را به شهر رساند. ما برگشتیم و بعد از یک ماه دوباره برای بازدید پایگاه رفتیم. هلیکوپتر نشسته بود که دیدم یک خانم، قنناق یک بچه را گرفته است و دور هلیکوپتر می‌چرخد و می‌گوید «فدایی خمینی».

یک بحث فرهنگی دیگر، نوع برخورد با روحانیت کردستان است. آن موقع فرماندهان سپاه می‌رفتند و در نماز جمعه‌های اهل سنت شرکت می‌کردند و در آنجا سخنرانی می‌کردند. مثلاً من وقتی به سقز می‌رفتم، در نماز جمعه اهل سنت شرکت می‌کردم. قبل از خطبه‌ها یک ساعت هم صحبت می‌کردم. امام جمعه در حدود ۱۰ دقیقه صحبت می‌کرد و بعد مردم از من استقبال می‌کردند. ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ما به تدریج توانستیم همه مسئولان دموکرات شهر را از خودمان بگذاریم، یعنی همه مسئولان شهر کسانی بودند که سپاه آنها را در حزب دموکرات منصوب کرده بود. یک روز ضدانقلاب فهیمید و رادیوی دموکرات به نیروهای سنندج اعلام کرد که رژیم در بین ما نفوذ کرده است، پس ارتباط‌های خود را قطع کنید.

مرحله دوم انتخابات ریاست‌جمهوری حضرت امام خامنه‌ای بود که حزب دموکرات اعلام کرد شب انتخابات ۷۰ عملیات در سنندج انجام خواهد داد و یک گروه هفت‌نفره از عراق مستقیم فرستادند تا به سنندج بیایند و

شهر برسانید. هلیکوپتر آمد و آن خانم را به شهر رساند. ما برگشتیم و بعد از یک ماه دوباره برای بازدید پایگاه رفتیم. هلیکوپتر نشسته بود که دیدم یک خانم، قنناق یک بچه را گرفته است و دور هلیکوپتر می‌چرخد و می‌گوید «فدایی خمینی».

یک بحث فرهنگی دیگر، نوع برخورد با روحانیت کردستان است. آن موقع فرماندهان سپاه می‌رفتند و در نماز جمعه‌های اهل سنت شرکت می‌کردند و در آنجا سخنرانی می‌کردند. مثلاً من وقتی به سقز می‌رفتم، در نماز جمعه اهل سنت شرکت می‌کردم. قبل از خطبه‌ها یک ساعت هم صحبت می‌کردم. امام جمعه در حدود ۱۰ دقیقه صحبت می‌کرد و بعد مردم از من استقبال می‌کردند. ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

ضدانقلاب حدود ۷۰ روحانی اهل سنت را شهید کرده است. ملا حیدر فهیم، امام جمعه بیساران را خوابانند، کتاب‌ها و قرآن‌ها را روی سینه او قرار دادند و آتش زدند، ولی ما یک روحانی را محاکمه و اعدام نکردیم.

شهید بروجردی هیچ مسئولیتی در قرارگاه حمزه نداشت. زمانی که مسئول نبود هم بسیار فعال بود. کسی که برای خدا کار می‌کند، چه مسئول باشد چه نباشد، برایش مهم نیست. می‌رفت در پیرانشهر، یک هفته یا بیشتر می‌ماند و محورهایش را بازدید می‌کرد و اطلاعات دشمن را می‌گرفت. برآورد کامل را انجام می‌داد و بعد می‌گفت اگر جاده پیرانشهر - سردشت بسته شود، این یعنی یک خاکریز در مقابل عراق است. تفکر استراتژیک و تاکتیک

اصلی نظامی ما تجزیه، تعاقب، انهدام، تسلیح و بستن مرز است.

ج) مردم‌یاری آموزشی

فرمانده پایگاه ما فقط فرمانده پایگاه نیست؛ مسئول نهضت سوادآموزی روستا هم است، مدرسه را هم فعال کرده است. زمانی دیدیم حدود هفتاد هشتاد مدرسه روستایی پایگاه ماست؛ گفتیم همه

پایگاه‌ها تخلیه شود و در اختیار آموزش و پرورش قرار بگیرد. پایگاه را تخلیه کردیم، ولی معلم نداشتیم. طرح سرباز معلم و سربازهای تحصیل کرده را به عنوان سرباز معلم آوردیم. موقعی که خواستیم طرح سرباز معلم را در کردستان اجرا کنیم، ستاد مرکزی مخالفت کرد و گفت این همان سپاه دانش است. ما هم این را از طریق ژاندارمری اجرا کردیم. یعنی نیروهایی که جذب کردیم و ژاندارمری آموزش داد،

نارنجک بیندازند و ترور کنند و برگردند. وقتی آنها بیایند سنج، به چه کسی مراجعه می‌کنند؟ به کسی که باید مراجعه کنند، نفوذی ما بود. (نفوذ، شنود) خلاصه وقتی آمدند، فوراً خانه و ماشین در اختیار آنها گذاشتیم. همه چیز مال سپاه بود، ولی آنها نمی‌دانستند. به آنها گفته بودند اگر بسیجی، سپاهی و ارتشی پیدا کردید، آنها را بکشید. لحظه‌ای که می‌خواستند عملیات انجام دهند، هر کدام از آنها نارنجک‌هایی به خود آویزان کرده بودند تا در مسیرشان نارنجک‌ها را منفجر کنند و چند نفر را ترور کنند. هر نفری که سوار ماشین می‌شد، راننده ماشین او را دستگیر می‌کرد و با تجهیزاتی که به بازداشتگاه منتقل می‌کرد. حزب دموکرات نتوانست شب انتخابات حتی یک نارنجک یا یک فشنگ شلیک کنند. این یعنی نفوذ و کنترل دشمن.

نمی‌شود به دشمن اجازه داد نارنجک خود را منفجر کند و بعد ما او را دستگیر کنیم یا اجازه دهیم ترور را انجام دهند و بعد ما برویم عوامل ترور را دستگیر کنیم. شما نباید اجازه بدهید این اتفاقات بیفتد. باید پیشگیری کنید، باید نفوذ کنید و باید حضور داشته باشید.

ب) مردم‌یاری نظامی

سازمان پیشمرگان مسلمان کرد تشکیل شد، اینجا شما مردم را سازماندهی می‌کنید. یا کار شهید بروجردی که سازماندهی یگان حزب‌الله (تسلیمی‌های ضدانقلاب)، را انجام داد و این افراد را جمع و در گروه‌های کوچک چریکی علیه همان واحد ضدانقلاب، سازماندهی کرد.

شبانه‌روزی کردن محورها، تجزیه، تعاقب، انهدام، مثلاً پاک‌سازی جاده بانه - سردشت یا پیرانشهر - سردشت یعنی چه؟ شهید بروجردی زمانی که مسئول نبود هم به تک‌تک پایگاه‌های سپاه می‌رفت، چون در دوره‌ای

شهید بروجردی که سازماندهی یگان حزب‌الله تسلیمی‌های ضدانقلاب که از یک هیز می‌آید، را انجام داد و این افراد را جمع و در گروه‌های کوچک چریکی علیه همان واحد ضدانقلاب، سازماندهی کرد.

به آنها گفتیم با کسانی که در زندان‌اند صحبت کنید ببینید آنها را شکنجه کرده‌ایم یا نه. آنها را با هلیکوپتر به تته بردیم، ارتفاعات دزلی، گفتیم ببینید اینجا در زمستان و برف و در سختی، بچه‌ها دارند از مرز نهبانی می‌دهند. اینها برگشتند و پول‌های خود را روی هم گذاشتند و یک ساعت دیواری خریدند و هدیه دادند که آن ساعت را در اتاق فرماندهی نصب کردند. بعد شروع به گزارش کردند برای بچه‌های دبیرستان، که یک‌دفعه همه دبیرستان علیه آنها شعار دادند. به آنها گفتند شما مزدور شده‌اید. شما را خریده‌اند. از بین اینها بعداً چند نفر به جبهه رفتند و بعد از آن نام دبیرستان شد دبیرستان شهید نمکی سنندج. اصلاً دبیرستان تغییر کرد. یعنی فرمانده سپاه نمی‌تواند اجازه دهد که در عملیات نامنظم دبیرستان محل جذب نیروی ضدانقلاب و تظاهرات علیه نظام باشد و هیچ چیزی دست شما نباشد. باید حتی اگر به شما فحاشی و اهانت شد، شما دبیرستان را تغییر دهید. نمی‌توانید بگویید دبیرستان به من ربطی ندارد؛ فرمانده عملیات نامنظم نمی‌تواند بگوید من به دبیرستان کاری ندارم.

د) مردم‌یاری اجتماعی

[در آن اوایل در یک مقطعی] کنترل شهر از دست ما خارج شده بود. طرفداران ضدانقلاب به امام، انقلاب و مسئولان فحاشی می‌کردند. چه کار کنیم؟ این یک مسئله اجتماعی است. آیا اجازه می‌دهید که جو بانه و مریوان روزبه‌روز خراب‌تر شود و شهرها از دست شما خارج شود؟ هرچه خراب‌تر شود، دشمن نیروی بیشتری جذب می‌کند. هرچقدر نارضایتی بیشتر

به‌عنوان سرباز معلم با لباس ژاندارمری فرستادیم در روستاها زیر نظر فرمانده پایگاه. پس فرمانده پایگاه ما مدرسه را اداره می‌کند و بعدازظهرها برای مردم کلاس سوادآموزی می‌گذارد؛ در روستاها سمپاشی را هماهنگ کرده و انجام می‌دهد؛ شن‌ریزی در روستا را انجام می‌دهد و همه پایگاه را برای استفاده مردم روستا قرار می‌دهد. یعنی یک آدم همه‌جانبه در خدمت مردم. طوری که مثلاً مسئول پایگاه انجیران ما آقای علی‌اصغر رحیمی که مأمور نیروی هوایی هم بود، فرمانده نمونه شد. چندین بار کومه‌له می‌خواستند به این پایگاه حمله کنند که مردم نگذاشتند.

نوع دیگری از مردم‌یاری آموزشی اردوی هجرت بود. تعدادی از بچه‌های دبیرستانی از اصفهان، یزد و کرمان و جاهای دیگر می‌آمدند و در کنار دانش‌آموزان کرد درس می‌خواندند. این‌طور نیست که فرمانده سپاه بگوید دبیرستان به ما ربطی ندارد. یکی از بدترین دبیرستان‌ها در سنندج را برای سخنرانی انتخاب کردم وقتی به آنجا رفتیم شعار ضدنظام سر می‌دادند. بیست دقیقه ماندیم و فقط فحش می‌دادند. من گفتم یک لحظه توجه کنید شما قدرت تحمل شنیدن حرف‌های من را ندارید. همه ساکت شدند. گفتم من اصلاً صحبت نمی‌کنم، شما ۵ نفر نماینده انتخاب کنید که بیایند و سپاه را ببینند و بعد به شما گزارش بدهند. پنج شش نفر، یکی از کومه‌له، یکی از دموکرات، یکی از سازمان چریک‌های فدایی خلق انتخاب شدند و یک هفته در سپاه بودند. آشپزخانه سپاه، ناهارخوری سپاه، اتاق فرمانده، بازداشتگاه پاسدارها، زندان و غیره را دیدند.



اجرای طرح پاسدار معلم، روستای موچش.

نظامی روی برنامه‌های جلوگیری از شدت یافتن فعالیت‌های ضدانقلاب متمرکز می‌شود. در هر صورت، این گونه برنامه‌ها فراهم‌کننده پیشرفت‌های زیادی در چارچوب زمانی کوتاه‌مدت است و در مراحل پیشرفته بحران و شورش، به دلیل اولویت‌های برنامه‌های پدافندی ممکن است اقدامات مردم‌یاری نیروهای نظامی به مأموریت‌های اضطراری تقلیل یابد. در همه سطوح پدافند و توسعه داخلی در حد امکان عملیات مردم‌یاری نیروهای نظامی به‌منظور پشتیبانی از برنامه‌های توسعه در سطح ملی و پایین‌تر طرح‌ریزی و اجرا می‌شود.

در بحران مناطق غرب و شمال‌غرب، به‌ویژه در مقطع دوم نبرد، عمده اقدامات نیروهای نظامی به خدمات‌رسانی به مردم بعد از هر عملیات آزادسازی یا پاک‌سازی مناطق معطوف می‌شود. در این راستا، یگان خاصی مسئول این نوع عملیات نبود، بلکه همه

شود، به نفع دشمن است. پس باید این را درست کنیم. یک کمیسیون عملیات داشتیم که در آنجا با هم نظر می‌دادیم تا به یک جمع‌بندی برسیم. خوبی کار در این بود که آنجا همه صادقانه صحبت می‌کردند و بعد هم چیزی که جمع‌بندی می‌شد، همه اجرا می‌کردند. صداقت جوهره اصلی همه اعضای جلسه بود.

جمع‌بندی

اجرای عملیات مردم‌یاری متناسب با شدت بحران، متفاوت است، یعنی در جلوگیری از بروز بحران، اقدامات مردم‌یاری روی توسعه اوضاع و احوال اقتصادی - اجتماعی متمرکز می‌شود و منابع نظامی فراوانی به برنامه‌های مردم‌یاری با اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت اختصاص می‌یابد؛ در صورتی که در مراحل مختلف بحران، اقدامات مردم‌یاری نیروهای

